

بشارتهای کتاب مقدس به پیامبر اسلام

<?xml encoding="UTF-8?">

یکی از بشارت‌هایی که زیاد مطرح میشود آیاتی است در انجیل یوحنا که حضرت عیسی علیه السلام در واپسین روزهای زندگی خود به حواریون مژده آمدن يك تسلي دهنده یا پاراکلیتوس را داده است و چند بار این مساله را به حواریون گوشزد نموده است که منتظر آمدن این شخصیت باشید

با مطالعه قرآن کریم در می‌یابیم که نام پیامبر اسلام در کتب پیشینیان وجود داشته است، قرآن با صراحت و با قاطعیت از وجود نام و توصیفات پیامبر خاتم خبر می‌دهد برخی از این آیات عبارتند از: 1- الذین آتیناهم الکتاب يعرفونه كما يعرفون ابنائهم 1

2: محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم ذلك مثلهم فی التورات و مثلهم فی الانجیل 2
3: و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقاً لما بین یدی من التورات و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه احمد 3

4: الذین یتبعون الرسول النبی الأمی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراة و الانجیل 4
البته از آیات فوق تنها آیه آخری به صراحت به بشارت‌های پیامبر اسلام در تورات و انجیل صراحت دارد و آیات قبلی میتواند در کتاب‌ها یا گفتارهای دیگر غیر از کتاب مقدس باشند
از آنجا که به اعتقاد مسلمانان کتابهای مقدس موجود در دست یهودیان و مسیحیان تحریف شده است برخی معتقدند بشارتهای ذکر شده در قرآن کریم ناظر بر تورات و انجیل واقعی است،
اما به نظر میرسد در تورات و انجیل کنونی بشارت‌های واضحی به پیامبر اسلام موجود است. و ما در این تحقیق به ذکر آیاتی که در کتاب مقدس به صراحت و یا با اشاره به پیامبر آخر الزمان می‌پردازد خواهیم پرداخت. البته پرداختن ما به این مسئله به معنای آن نیست که اثبات حقانیت پیامبر اکرم در گروی اثبات و تطبیق پیشگوییها بر پیامبر اسلام است

بدون شک وجود معجزات متعدد در رأس آنها قرآن مجید که پس از گذشت 14 قرن هنوز هم کسی جرأت عرض اندام در برابر عظمت آن ندارد بزرگترین گواه بر حقانیت پیامبر اسلام است. در سفر تثنیه راه شناخت پیامبر راستین را از پیامبر دروغین چنین بیان می‌کند:

" و اگر در دلت بگویی کلامی که خداوند نگفته است چگونه بدانیم چنانچه پیامبری چیزی به نام خداوند بگوید و آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد این امری است که خداوند نگفته است " 5
و در ارمیا چنین بیان می‌دارد

" اما آن نبی که درباره صلح و آرامش پیشگویی می‌کند زمانی ثابت می‌شود که از جانب خداوند سخن گفته است که پیشگویی اش به انجام برسد 6

و در قرآن و روایات پیامبر گرامی اسلام پیشگویی‌های متعددی داشتند که عمده آنها به وقع پیوسته صرف نظر از این در سفر تثنیه آمده است که پیامبری که به دروغ ادعا کند پیامش از جانب من است خواهد مرد 7. و حال آنکه پیامبر اکرم بیست و سه سال مردم را به اسلام دعوت نمود و دین اسلام که در سالیان اول دعوتش

بسیار ضعیف و کم تعداد بود روز به روز بر شوکت و عظمتش افزوده شد و همچنان نیز رو به رشد و ازدیاد است .
مقدمه قبل از ورود به بحث اصلی و بیان بشارتها لازم است به چند نکته مهم و کلیدی اشاره شود .
اول : پیشگوئیهای پیامبران و خبر دادن از پیامبران آینده معمولاً به صورت اجمالی بوده است بگونه ای که حتی گاهی بر علماء ایشان و گاه بر پیامبران هم عصر وی نیز مخفی می مانده است .
به عنوان مثال در انجیل یو حناچنین می خوانیم :

روزی سران قوم یهود از شهر اورشلیم چند تن از کاهنان را نزد یحیی فرستادند تا بدانند آیا او ادعا میکند که مسیح است یا نه یحیی روشن و بی پرده اظهار داشت .نه من مسیح نیستم 8
پرسیدند خوب پس که هستید ؟آیا الیاس پیغمبرید جواب داد : نه. پرسیدند آیا شما آن پیغمبر نیستید که ما چشم به راهش هستیم باز هم جواب داد: نه. گفتند :پس به ما بگویید که هستید 9.....
و در همین انجیل یو حنا آمده است که یحیی نیز در ابتدا امر عیسی را به عنوان مسیح نشناخت و به واسطه علامتی که خداوند به او فرمود توانست مسیح را بشناسد نکته قابل توجه آنکه حضرت مسیح پسر خاله حضرت یحیی است اما یحیی تا قبل از این علامت نتوانسته بود پی به نبوت مسیح ببرد 10.
دوم . ممکن است هنگام مطالعه بشارتها به ذهن افراد نا اشنا به ادبیات و شیوة کتاب مقدس چنین برسد که تطبیق برخی از این بشارتها بر پیامبر اسلام آنچنان که باید و شاید روشن و واضح نیست .
برای رفع این توهّم می گوئیم اگر به بشارتها ئی که مسیحیان آنها را بر عیسی بن مریم (ع) تطبیق می دهند رجوع کنیم و آنها را با بشارتها ئی که در حق پیامبر اسلام وارد شده است مقایسه کنیم به روشنی در می یابیم که این بشارتها به مراتب واضح تر از بشارت موجود در مورد حضرت عیسی است.
به عنوان نمونه در عهد عتیق برخی عبارت هایی موجود است که مسیحیات آن ها را تاویل به مسیح میکنند که تقریباً میتوان گفت مهمترین نمونه آن عبارت کتاب اشعیاء را بر حضرت مسیح تطبیق داده اند :

اینک باکره حامله شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند 11.

اما این عبارت به هیچ روی قابل تطبیق بر حضرت عیسی نیست زیرا:

کلمة مذکور در کتاب مقدس "عَلَمَه" می باشد که معنی آن نزد علمای یهود زن جوان است و فرقی بین باکره و غیرباکره نیست اما مترجمین مسیحی آن را به باکره ترجمه کرده اند تا قابل تطبیق بر حضرت مریم باشد .
در هیچ جا نیامده است که کسی حضرت عیسی را با نام عما نوئیل و یا چیزی به معنی آن (خدا با ماست) خوانده باشد، نه پدر و نه مادر و نه کسی از اطرافیاناش به عنوان نمونه درمتی مده است :

تا اینکه مریم او را زائید و یوسف او را یسوع نامید 12

و در لوقا آمده است :

" فرشته به مریم گفت: پس به زودی حامله خواهی شد و فرزندی خواهی زائید که نام او را یسوع می گذارید" 13

در لوقا نیز آمده است :به یسوع نامگذاری شد 14

با مراجعه به کتاب اشعیاء و داستان مذکور در میا بیم که عیسی نمی تواند مقصود اشعیاء باشد.

وقتی به در بار خبر رسید که سوریه و اسرائیل با هم متحد شده اند تا با یهودا بجنگند دل پادشاه یهودا و قوم او از ترس لرزید.....سپس خداوند به اشعیاء فرمود :اما من که خداوند هستم می گویم که این نقشه عملی نخواهد شدسپس اشعیاء گفت :..... خداوند خودش علامتی به شما خواهد داد آن علامت این است که زن جوانی (و طبق ترجمه مسیحیان : زن باکره ای) حامله شده پسری به دنیا خواهد آورد و نامش را عما نوئیل

خواهد گذاشت قبل از اینکه این پسر از شیر گرفته شود و خوب و بد را تشخیص دهد سرزمین این دو پادشاه متروکه و ویران خواهد شد. 15

در تاریخ مسلم است که سرزمین فاقاح بیست و یک سال پس از پیشگویی مذکور خراب و ویران گردید و حال آنکه حضرت عیسی هفتصد و بیست و یک سال پس از ویرانی این سرزمین به دنیا آمد. 16

با توجه به آنچه گفتیم تطبیق این پیشگویی بر حضرت مسیح بسیار بعید و بلکه غیر ممکن است اما در کمال نا باوری می بینیم که انجیل متی این عبارت کتاب اشعیا 17ء را بر حضرت مسیح تطبیق داده است. و اگر بخواهیم این بشارت را منطبق بر عیسی مسیح بدانیم به طریق اولی آیات بسیاری در تورات و عهد عتیق موجود است که بسیار راحت تر قابل انطباق بر پیامبر اسلام می باشد

سوم - آخرین نکته ای که لازم است قبل از مطالعه بشارتها به آن توجه نمود اینست که در تمامی کشورها و بین تمامی فرقه ها و مذاهب اسلامی تر جمه ی قرآن را با عین متن عربی آن می آورند و اگر به ندرت کسی بر خلاف این طریقه عمل نموده به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است .

و این خود سبب شده است که قرآن از ترجمه های سلیقه ای و با غرض های شخصی در امان بماند.

اما این نکته در کتاب مقدس وجود ندارد و لذا می بینیم که اختلافات فاحشی در نسخه ها و ترجمه های مختلف کتاب مقدس وجود دارد و چه بسا استناد بشارتی به پیامبر اسلام در متن اصلی واضح باشد اما در ترجمه ها تحریف صورت گرفته باشد و ما در این تحقیق با استناد به متون اصلی و حتی عبری بشارت ها را مورد بررسی قرار دادیم

پیامبر موعود (آن نبی) کیست بر اساس عهد جدید مردم در عصر حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهما السلام به انتظار دو شخصیت جهانی نشسته بودند یکی مسیح و دیگری انتظار پیامبری نظیر موسی علیه السلام را میکشیدند . برای کسانی که با عهد جدید آشنایی داشته باشند این مطلب غیر قابل انکار است.. یکی به انتظار آمدن (مسیح) روز شماری میکردند و دیگری در انتظار آمدن (آن نبی) این انتظار در مواقع گوناگونی ظهور و بروز داشته است: که دو مورد آن را مورد بررسی قرار میدهیم

اشارات به {آن نبی} در انجیل الف) در ابتدای نبوت حضرت عیسی در روز عید بزرگی که حضرت عیسی علیه السلام مردم را موعظه می کردند، پس از اتمام موعظه، در بین مردم اختلاف افتاد که او چه کسی است. بعضی او را همان پیامبری دانستند که حضرت موسی علیه السلام و دیگران به آن بشارت داده بودند و بعضی دیگر او را مسیح موعود علیه السلام دانستند:

"آنگاه بسیاری از آن گروه چون این کلام را شنیدند، گفتند: در حقیقت، این شخص همان نبی است و بعضی گفتند: او مسیح است و بعضی گفتند: مگر مسیح از جلیل می آید؟... پس درباره او در میان مردم اختلاف افتاد."

18

از این عبارت به خوبی هویداست که مومنان آن زمان مبنی بر بشارت های موجود در عهد عتیق و و تورات در انتظار آمدن دو شخصیت بودند یک مسیح و یک پیامبر موعود بودند. به عبارت دیگر، آنها در انتظار دو نفر بودند به همین دلیل در بینشان اختلاف افتاد؛ زیرا بعضی گفتند این است و بعضی گفتند آن!

ب - "آن نبی" در تفحص یهود و شهادت حضرت یحیی علیه السلام:

وقتی حضرت یحیی علیه السلام به ارشاد و موعظه مردم پرداختند، درباره او به تحقیق و تفحص پرداختند. در انجیل یوحنا، در این باره چنین آمده است:

"این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم، کاهنان و لایوان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی. معترف شد و انکار نمود، بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم. آنگاه از او سؤال کردند: پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم، آیا تو "آن نبی" هستی؟ جواب داد که نه. آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تا به آن کسانی که ما را فرستاده‌اند جواب بریم؟ درباره خود چه می‌گویی...؟ فرستادگان از فریسیان بودند. پس از او سؤال کرده، گفتند: اگر تو مسیح و الیاس و "آن نبی" نیستی پس برای چه تعمد می‌دهی...؟ یحیی در جواب ایشان گفت: ... او آن است که بعد از من می‌آید، اما پیش از من شده است. من لایق نیستم بند نعلینش را باز کنم." 19(26)

در بشارت بعدی خواهیم گفت که انبیا بنی اسرائیل پیوسته از ظهور دو شخصیت سخن به میان آورده بودند یکی "مسیح" و دیگری "پیامبری نظیر موسی" خبر داده بودند. بنابراین، طبیعی بود که مردم گمان کنند حضرت یحیی‌علیه السلام همان "مسیح موعود" و یا پیامبر موعود باشد. بدین سبب، حاکمان اورشلیم برخورد لازم و واجب می‌دانستند که از این موضوع تحقیق کنند. آنها افرادی ساده لوح و زودباور نبودند؛ اگر کسی ادعای نبوت می‌کرد به خوبی، تحقیق می‌کردند. تحقیق در مورد دعاوی کسانی که ادعای نبوت می‌کردند و یقین به صحت و سقم ادعاها از وظایف شورای بزرگ سنهدرین بود. این شورا از 71 نفر عضو مشاور تشکیل می‌شد. 20 از این‌رو، شورای مزبور، که انجیل یوحنا آن را "یهود" می‌نامد، هیئتی اعزام کرد تا درباره ادعای یحیی‌علیه السلام تحقیق کنند. هیئت اعزامی سه سؤال از حضرت یحیی‌علیه السلام پرسیدند:

آیا تو "مسیح موعود" هستی؟

آیا تو الیاس نبی هستی؟

آیا تو "آن نبی" - پیامبر موعود - هستی؟

حضرت یحیی‌علیه السلام در جواب سؤال اول، اقرار کرد که مسیح نیست. سؤال دوم درباره حضرت الیاس‌علیه السلام بود. یهودیان طبق کتاب دوم پادشاهان 21 معتقد بودند که حضرت الیاس‌علیه السلام پیامبری است که بر گردباد سوار شده و به آسمان عروج کرده و شخصا به زمین رجعت خواهد کرد. چون حضرت یحیی‌علیه السلام مسیح بودن خود را منکر شد، به نظر هیئت اعزامی چنین رسید که وی باید حضرت الیاس نبی‌علیه السلام باشد که رجعت کرده است. بنابراین، از حضرت یحیی‌علیه السلام سؤال کردند که آیا تو الیاس نبی هستی؟ حضرت یحیی‌علیه السلام پاسخ دادند که من الیاس نیستم. سپس فرستادگان با خود گفتند که اگر او مسیح و الیاس نیست، آیا همان نبی‌ای است که حضرت موسی و انبیای دیگر علیه السلام به ظهور او بشارت داده‌اند؟ لذا، سؤال سوم را مطرح کردند. حضرت یحیی‌علیه السلام به این پرسش نیز پاسخ منفی دادند که من آن نبی نیستم

از این نمونه اشارت‌ها را نیز می‌توانیم در داستان غذا دادن به 5000 نفر نیز ببینیم: 22

سوال اساسی از مسیحیان این است که اگر مومنان زمان ظهور عیسی مسیح منتظر آن نبی بودند و به طور قطع نمیتواند آن نبی و مسیح یک نفر باشند چون هم در سوال یهودیان تفکیک شدند و وقتی یحیی مسیح بودن را انکار کرد از وی پرسیدند حال که مسیح نیستی پس آن نبی هست به علاوه وقتی منبع بشارت آن نبی در تثنیه 18: 18 می‌خوانیم می‌بینیم که مشخصات آن نبی قابل تطبیق عیسی مسیح نیست

براساس اسناد مکشوفه در سواحل بحرالامیت نیز مردم در انتظار پیامبر موعود (آن نبی) بودند و این غیر از "مسیح موعود" بود. این پیامبر موعود را در زبان عبری گبر به معنای "انسان" 23 می‌خواندند.

نبی ای مثل موسی از برادران بنی اسرائیل حضرت موسی علیه السلام وقتی بنی اسرائیل را از مصر و بندگی فرعون

رهانید و پس از چهل سال سرگردانی در بیابان ها به حوالی رود اردن رسید و در این جا بود که خداوند به وی وحی نمود موسی تو از این رود عبور نمیکنی و در همین مکان از دنیا میروی ، موسی (ع) وصایایش را به قوم بنی اسرائیل نمود و همه اسباط بنی اسرائیل را در مکانی در پشت رود اردن جمع کرد و به ایشان فرمود خداوند به من وحی فرستاده که از میان شما میروم و منتظر باشید که خداوند نبی ای بزرگ مبعوث خواهد نمود و به بنی اسرائیل چنین گفت

و خداوند به من گفت آنچه گفتند نیکو گفتند نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت . "و هر کس از کلامش اطاعت نکند من از وی انتقام خواهم گرفت" (تثنیه 18:15-18)

در اینکه مصداق این بشارت چه شخصیتی است بحث های فراوانی صورت گرفته مسلمانان مدعی هستند که تنها مصداق کامل این بشارت پیامبر گرامی اسلام میباشد و مسیحیان نیز میگویند مصداق این بشارت حضرت عیسی میباشد

در این جستار به این موضوع میپردازیم که چه شخصیتی میتواند مصداق کامل این بشارت باشد با توجه به قرائن تاریخی دو شخصیت بیشتر نمیتوانند مصداق این بشارت باشند و یا باید سخن مسلمانان صحیح باشد و حضرت محمد (ص) منظور بشارت باشد و یا ادعای مسیحیان صحیح است برای آنکه بهتر بتوانیم این بشارت را تطبیق دهیم لازم است به خود ایه رجوع کنیم و در آن دقت کنیم . و ببینیم خصوصیات که این ایه برای آن نبی معرفی میکند چیست ؟

در آیه سه خصوصیت برای این نبی که حضرت موسی آمدنش را نوید داده ذکر شده است

این نبی از میان برادران بنی اسرائیل است نه خود بنی اسرائیل 24

در تثنیه 18:18 میفرماید

نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان (بنی اسرائیل)

و دقت به این نکته ضروری است که تمامی بنی اسرائیل در آن هنگام در صحرا بودند و هنوز بنی اسرائیل به ارض موعود نرسیده بودند و قومی صحرا گرد بودند که گرداگرد حضرت موسی بودند تا ایشان وفات یافت و هنگامی که ایشان داشتند این نوید را میدادند همه بنی اسرائیل گرداگرد وی حاضر بودند و خطاب حضرت موسی شامل

تمامی اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل میشود که خداوند به من نوید داده نبی ای از میان برادران شما برخواهد خواست و مشخص است وقتی بنا است نبی از برادران بنی اسرائیل باشد دیگر نمیتواند از خود بنی اسرائیل باشد و حضرت عیسی علیه السلام يك پیامبر بنی اسرائیلی بوده و تنها پیامبر گرامی اسلام است که از میان برادران بنی اسرائیل (بنی اسماعیل) ظهور نموده است

حال باید دید که برادران بنی اسرائیل چه کسانی هستند می دانیم که اسرائیل لقب یعقوب است و یعقوب فرزند اسحاق است و اسحاق و اسماعیل نیز برادر یکدیگرند پس بدون شك مراد از برادران بنی اسرائیل همان فرزندان اسماعیل هستند. البته این مطلب تازگی ندارد چرا که در سفر تکوین آمده است:

و نصیب او (اسماعیل) در مقابل همه برادران افتاد . که مراد از برادران اسماعیل همان بنی اسرائیل هستند.25

نکته: ممکن است به نظر برسد مراد از برادران بنی اسرائیل فرزندان عیسو باشند اما این مطلب صحیح نیست زیرا عیسو از برکت محروم شد26 پس مراد فرزندان اسما عیل خواهند بود که خداوند او را هم مشمول برکت خود قرار داده بود و البته استعمال برادران در این موارد تازگی ندارد مثل 27 که بنو عیسو برادران اسماعیل دانسته شده اند

و صرف نظر از این مطلب می دانیم که در میان تمام برادران بنی اسرائیل کسی جز محمد بر نخواستہ است. 28

در بشارت حضرت موسی آمده است که این نبی مثل موسی است (نبی ای مثل من) و ما در جدول زیر بارز ترین خصوصیات حضرت موسی را مینویسیم و سپس با خصوصیات دو پیامبر دیگر مقایسه میکنیم تا بهتر بتوانیم تشخیص دهیم کدام پیامبر مثل حضرت موسی است و چون در این بحث میخواهیم با دوستان مسیحی گفتگو کنیم ما خصوصیات حضرت موسی همانطور که یهودیان و مسیحیان به آن اعتقاد دارند ذکر میکنیم و خصوصیات عیسی مسیح را طبق اعتقاد خود مسیحیان و خصوصیات پیامبر اسلام را نیز طبق اعتقاد مسلمانان می آوریم با یک مقایسه اجمالی خواهیم یافت که بین حضرت عیسی و حضرت موسی شباهت ملموسی وجود ندارد و در عوض حضرت موسی بیشترین شباهت را با پیامبر گرامی اسلام دارد

در جدول زیر شباهتها و تفاوتهاي این پیامبران را طبق اعتقاد پیروانشان بر می شمیریم

حضرت موسی (ع)

حضرت عیسی (ع)

حضرت محمد (ع)

پیامبر و بنده خدا

خدا و فرزند خدا

پیامبر و بنده خدا

صاحب شریعت

فاقد شریعت

صاحب شریعت

در بستر از دنیا رفت

مصلوب شد

در بستر از دنیا رفت

مطاع و سید قوم بود

خار و حقیر

مطاع و سید

شمشیر به دست گرفت

شمشیر به دست نگرفت

شمشیر به دست گرفت

در ادامه ایه آمده است و کسی که کلام او را نپذیرد من از او انتقام خواهم گرفت بدون شك مراد خداوند از این انتقام عذاب اخروی مسئله برای این پیامبر نیست و در مورد تمام پیامبران وجود دارد و حال آنکه از ظاهر عبارت بر می آید که این ویژگی به عنوان خصوصیتی بارز برای این پیامبر است .

در نتیجه مراد از انتقام همین انتقام دنیوی است و اشاره به این نکته دارد که پیامبر مذکور مأمور به جهاد

خواهد بود و خداوند او را یاری خواهد نمود و از مخالفین وی انتقام می گیرد .

پراکلیتوس (ستوده و حمد شده) میاید یکی از بشارت هایی که زیاد مطرح میشود آیاتی است در انجیل یوحنا که حضرت عیسی علیه السلام در واپسین روز های زندگی خود به حواریون مژده آمدن یک تسلی دهنده یا

پارا کلیتوس را داده است و چند بار این مساله را به حواریون گوشزد نموده است که منتظر آمدن این شخصیت باشید

سخنان زیادی در باره این آیات گفته شده و کتاب های زیادی در این باره نوشتند ما در این جستار در صدد ارائه گزارشی از تحقیقات انجام شده در باره این آیات هستیم و می خواهیم با دیدی باز به بررسی آنها بپردازیم ابتدا با یکدیگر مروری بر آیات می اندازیم

" اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند چون او را نمی بیند و نمی شناسد اما شما او را می بینید و می شناسید زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود" 29

من از پدر سؤال می کنم و او تسلی دهنده دیگری به شما اعطا خواهد کرد... " 30" و لکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم، آید... او بر من شهادت خواهد داد. " 31" و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم." 32

در چند مورد همین بشارت به ظهور تسلی دهنده در کلام حضرت عیسی (ع) تکرار شده است. 33 مسیحیان معتقدند که مقصود از تسلی دهنده "روح القدس" است که پنجاه روز پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام نزد حواریون آمد و آنان را تقویت روحی کرد، به شرحی که در آغاز کتاب اعمال رسولان آمده است. 34 ولی بسیاری از محققین مسلمان اعتقاد دارند که شواهد و قرائینی وجود دارد که تسلی دهنده مورد نظر نمی تواند روح القدس مورد نظر مسیحیان باشد. اما این مطلب نیاز به بررسی بیشتری دارد. قبل از توضیح و تفصیل این مطلب لازم است به نکته ای اشاره کنیم:

می دانیم که حضرت عیسی به زبان آرامی صحبت می کرده است و انجیل یوحنا هم به زبان یونانی نوشته شده است پس بدون شك آنچه را که امروز در انجیل یوحنا می بینیم ترجمه کلمات آن حضرت از زبان آرامی به زبان یونانی است و ما دقیقاً نمی دانیم آن حضرت چه کلمه ای را به زبان آورده است. با توجه به این مطلب می گوئیم کلمه یونانی موجود در انجیل یوحنا کلمه پاراقلیط paraclete است که عموم مفسرین آن را به تسلی دهنده ترجمه کرده اند. مسلمانان نیز در مقابل معتقدند که کلمه پاراقلیط یا پاراقلیطوس در اصل پریقلیطوس بوده که پریقلیطوس به معنی احمد و محمد در زبان عربی است.

این احتمال زمانی قوت می یابد که ما با مراجعه به نسخه های زبان آرامی می بینیم وقتی خواستند این کلمه را به آرامی ترجمه کنند از کلمات مَحْمَدَه و حَمِيدَه استفاده شده که عیناً معادل احمد و محمد در زبان عربی و واژه پریقلیط در زبان یونانی است 35

صرف نظر از آنچه گفته شد تطبیق پاراقلیطوس بر روح القدس صحیح نیست و فقراتی از همین انجیل و آیات مربوطه به فارقلیط با روح القدس همخوانی ندارد:

در این آیات 36 خبر از آمدن کسی می دهد که رفتن مسیح در مقابل آمدن او سودمند و مفید است آیا به اعتقاد مسیحیان روح القدس آنچنان دارای اهمیت است و آنقدر مفید است که آمدن او از فقدان مسیح سودمندتر است.

در این آیات آمدن فارقلیط را مشروط به رفتن مسیح نموده و حال آنکه روح القدس همواره همراه حضرت عیسی (ع) بوده و آمدن او متوقف بر رفتن حضرت مسیح نبوده

در عهد جدید بار ها میخوانیم که روح القدس همراه آن حضرت و آن حضرت در معیت روح القدس بود. حضرت یحیی علیه السلام شهادت داده اند که حضرت عیسی علیه السلام همراه با روح القدس بوده است: "پس یحیی شهادت داده، گفت: روح را دیدم که مثل کبوتری از آسمان نازل شده، بر او قرار گرفت." 37 بر مادر حضرت عیسی، حضرت مریم علیه السلام، نیز روح القدس وارد شده بود. 38 علاوه بر آن، خود حضرت یحیی علیه السلام، که با تفاوت شش ماه 39 هم سن حضرت عیسی علیه السلام بود، "در شکم مادر پر از روح القدس بود." 40

همچنین پدر بزرگوارش، حضرت زکریا علیه السلام، نیز

"از روح القدس پر شده بود و نبوت می کرد." 41

بنابراین، تسلی دهنده مورد نظر، باید غیر از روح القدس مصطلح باشد؛ زیرا حضرت عیسی علیه السلام فرمودند: "تا من نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم." 42

بعضی همانند نویسنده قاموس کتاب مقدس پذیرفته اند که روح القدس به دو معناست. یکی به معنای روح القدس که همان شخص سوم تثلیث است و دیگری به معنای روح قدسی 43 بنابراین، واضح است که در اینجا روح قدسی مطرح است، نه روح القدس مصطلح و آن کاملاً با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قابل تطبیق است. حضرت عیسی در مورد فارقلیط فرموده که او عالمیان را توبیخ می کند (یوحنا 8:16) که این شاهدهی بر ادعای محققین مسلمان است و بدون شک روح القدس هیچگاه و به اعتقاد هیچکس مردم را توبیخ نکرده و اصولاً کار روح القدس داوری نیست بر خلاف پیامبر اسلام (ص) که یهودیان را به خاطر ایمان نیاوردن به عیسی توبیخ و سرزنش نمود.

در مورد فارقلیط آمده است که وی جهانیان را به گناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت، آیا روح القدس به عقیده خود مسیحیان چنین کاری انجام می دهد، روح القدس که ظهور و تجلی او فقط برای گروهی خاص اتفاق افتاده است 44 در حالی که این خصوصیت بر پیامبر اسلام قابل تطبیق است

"او از طرف خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه شنیده است سخن خواهد گفت." حضرت عیسی علیه السلام نیز

همانند انبیای سلف علیهم السلام می فرمایند: آن روح راستی که پس از من خواهد آمد از پیش خود سخن نمی گوید، بلکه از آنچه که شنیده است سخن خواهد گفت. و اگر بخواهیم منظور ایه را همانطور که مسیحیان میگویند روح القدس بدانیم معنای ایه مشکل میشود چون روح القدس طبق اعتقاد مسیحیان خدا است و چگونه خدا نمیتواند از نزد خودش سخن بگوید و باید به آنچه شنیده سخن بگوید در حالی که در سراسر قرآن کریم یک اظهار نظر و تفسیر و حتی یک کلمه و اشاره از خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا از یاران صدیق و مؤمن او دیده نمیشود. و در آن تصریح شده که (ما یطق عن الهوی ان هی الا وحی یوحی) قرآن کریم سراسر وحی و کلام خداست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کلام خدای تبارک و تعالی را آنچنان که جبرئیل امین بر او فرومی خواند و او می شنید، بر زبان می آورد و بر جهانیان آشکار می ساخت. کلمات، جملات و تعالیم خود آن حضرت، علی رغم ارزش قدسی اش، کلام خدا محسوب نمیشود و تحت مقوله جداگانه ای به نام احادیث گردآوری شده اند.

از آنچه که گفتیم مطالب نویسندگان مسلمان بود که معتقدند فارقلیط را نمی توان با روح القدس تطبیق داد. وجود کسانی که ادعا کرده اند فارقلیط موعود هستند همچون منتس و مانی مدعی بودند که فارقلیط در ایه ایشان هستند 45 و تبعیت بسیاری از مسیحیان از این مدعیان خود بهترین شاهد بر این نکته است که

برخی از مسیحیان اشکالاتی را وارد کرده و گفته اند این بشارت با پیامبر اسلام سازگاری ندارد ما به طور مختصر برخی از این اشکالات را مطرح و پاسخ آن را به صورت مجمل می آوریم ، که علاقه مندان می توانند جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به کتب مربوطه مراجعه کنند.

اشکال اول: در این آیه خطاب به حواریون گفته شده است شما فارقلیط را می بینید و حال آنکه حواریون هرگز پیامبر اسلام را ندیدند:

جوابی که نویسندگان مسلمان به این اشکال دادند این است که : لازم نیست که همیشه مخاطبین و شنوندگان مقصود باشند. چنانکه مسیح به سران کهنه گفت : و نیز شما را می گویم که بعد از این پسر انسان را خواهید دید که بر یمین قدرت نشسته برابراهی آسمانی می آید . آیا آنها حضرت عیسی را دیدند تاکنون نزدیک به دوهزار سال از آن وقایع می گذرد و هنوز هم خبری از بازگشت دوباره عیسی نیست .

اشکال دوم : در متن آیه آمده که جهان نمی تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد اما شما او را می شناسید.

جواب: این مسئله در مورد روح القدس به مراتب مشکلتر است زیرا روح القدس به اعتقاد مسیحیان خداست و بدون شك شناخت مردم از خداوند به مراتب بیشتر از شناخت آنها نسبت به پیامبر اسلام است بدون مراد از ندیدن و نشناختن آنست که ایشان نمی توانند که عظمت و حقیقت او را درک کنند .

البته این مسئله تازگی ندارد و در مورد ضربت عیسی نیز آمده است که کسی پسر انسان را نمی شناسد (یوحنا 19:8 و متی 47:11) در متی 13:13 آمده است : نگرانند و نمی بینند و شنوا هستند و نمی شنوند .

اشکال سوم : در ادامه آیات روح فوق اشاره شده که یعنی روح القدس و وقتی این عبارت را به کار میبرد واضح است که منظور از این تسلی دهنده روح القدس هست

جواب : چنانکه توضیح دادیم علاوه بر ادله ای که نشان میدهد مشخصاتی که برای تسلی دهنده در آیات تعریف شده با مشخصات روح القدس سازگاری ندارد به علاوه در قاموس کتاب مقدس نیز برای روح القدس دو معنا ذکر کرده که یکی به معنای روح قدسی است 47 که میتواند شامل پیامبر اسلام هم باشد و دیگری به معنای روح القدس یکی از اقانیم سه گانه تثلیث و با توجه به مستندات که از همان انجیل ذکر کردیم با توجه به خصوصیات که حضرت عیسی از پاراکلیتوس میدهد قابل تطبیق بر روح القدس نمیشد

جزیره ها منتظر شریعت او خواهند بود و اهل قیدار آواز بلند میکند در کتاب مقدس در باره اقوام عرب و نسل اسماعیل تعبیر جالبی وجود دارد و وقتی یک خواننده این تعبیر را در کنار هم میگذارد چیزی جز نوید به آمدن پیامبری صاحب شریعت و اقتدار از میان اولاد اسماعیل در نمی یابد ما در این جستار چند قسمت از این تعبیر را در کنار هم میگذاریم و سپس یک تحلیل مختصری از این بشارتها خواهیم داشت

در کتاب اشعیا در باره قوم عرب میخوانیم

اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است من روح خود را بر او می نهم تا انصاف را برای امتهای صادر سازد او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و جزیره ها منتظر شریعت او باشند من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده ام و دست تو را گرفته تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امتهای خواهم گردانید..... من یهوه هستم و اسم من همین است و جلال خود را به کسی دیگر و ستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد صحرا و شهر هایش و قریه هایی که اهل قیدار در آنها

ساکن باشند آواز خود را بلند نمایند خداوند مثل جبار بیرون می آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را بر می انگیزاند و بر دشمنان خویش غلبه خواهند نمود ... آنانیکه بر بتهای تراشیده اعتماد دارند و به اصنام ریخته شده میگویند که خدایان ما شمائید به عقب بر گردانیده بسیار خجل خواهند شد (اشعیاء باب 42)

جدای از صفات و خصوصیات فراوانی که در این باب آمده و همگی قابل تطبیق بر پیامبر اکرم است چند ویژگی نیز ذکر شده که برخی از آنها مختص پیامبر است و برخی نیز اگر چه در پیامبران دیگر وجود داشته اما در هیچیک از پیامبران مورد ادعای یهودیان و مسیحیان بطور کامل جمع نشده است . برخی از این صفات و ویژگیها عبارتند از:

1. آن بزرگوار پسندیده و برگزیده خداست و می دانیم که از مشهور ترین القاب پیامبر مصطفی است . که دقیقاً به معنی برگزیده می باشد .
2. صاحب شریعت است و شریعت او هم جهانی است و مخصوص به گروه خاصی نیست پس مراد نمی تواند حضرت موسی باشد زیرا به اعتقاد یهودیان اگر چه دیگران هم می توانند یهودی شوند اما این دین موهبت خاص برای بنی اسرائیل است و لذا می بینیم که یهودیان به هیچ عنوان در صدد تبلیغ دین خود نیستند و شریعت موسی نیز فراگیر و عالمگیر نبوده و نیست .
- حضرت عیسی نیز بدون شك مصداق این بشارت نخواهد بود زیرا به اعتقاد مسیحیان خود آن حضرت تابع شریعت موسی (ع) بود و گذشته از این اصلاً در دین آن حضرت شریعت وجود ندارد .
3. این پیامبر در میان مشرکین و بت پرستان مبعوث می شود که بنابراین نمی تواند مراد از آن حضرت عیسی باشد.
4. مأمور به جنگ و جهاد است و بر دشمنان خویش نیز غلبه خواهد نمود که این خصوصیات نیز در حضرت عیسی نیز منتفی است و آن حضرت نه تنها بر دشمنان خویش غالب نشد بلکه مقهور ایشان گردید و در نهایت تاجی از خار بر سرش نهادند مسخره اش نمودند و او را به صلیب کشیدند.
5. شادی و خوشحالی را برای اهل قیدار می داند . حال باید بدانیم که قیدار کیست و اهل قیدارچه کسانی هستند .

قیدار فرزند دوم حضرت اسماعیل بود (تکوین 25:13) و کشور آنها قیدار خوانده شده (اشعیاء 16:21) و پیامبر اکرم نیز از فرزندان قیداربن اسماعیل است . در کتاب مقدس چاپ لبنان 1993 میلادی در پاورقی اشاره می کند که قیدار از قبایل عرب است و در پاورقی مربوط به اشعیاء 16:26 نیز آمده که قیدار قبیله ای است در شمال جزیره العرب

از آنچه گفتیم به روشنی می توان در یافت که بشارت مذکور فقط و فقط بر پیامبر اسلام مطابقت دارد و بر هیچکدام از پیامبران بنی اسرائیل و به خصوص حضرت مسیح صادق نیست و لازم به ذکر است که در فقرات متعددی از کتاب مقدس بر ظهور پیامبری از میان عربها اشاره شده است که برخی از آنها بسیار واضح است مثل همین بشارت و مراد برخی نیز به کمک سایر بشارتها روشن می شود در این قسمت به برخی از این بشارتها اشاره می کنیم.

ای عاقرة که نژائیده ای بسرا، ای که درد زه نکشیده ای به آواز بلند ترنم نما و فریاد بر آور زیرا خداوند می گوید پسران زن بی کس از پسران زن منکوحه زیاده اند زیرا که به طرف راست و چپ منتشر خواهی شد و ذریت تو امتها را تصرف خواهند نمود هر آینه کوهها زایل خواهد شد تلها متحرک خواهد گردید لیکن احسان من از تو

زایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرك نخواهد گردید (اشعیاء باب 54)

در این آیات به سرزمین نازا بشارت میدهد و مراد از سرزمین نازا مکه است زیرا هیچ پیامبری بعد از اسماعیل از مکه مبعوث نشده است و مراد از فرزندان زن بی کس نیز فرزندان هاجر هستند که تنها و غریب و در بیابان بود . البته در کمال تعجب می بینیم که در برخی از چاپهای کتاب مقدس مراد از نازا را اورشلیم دانسته اند و این بسیار عجیب است که اورشلیم که سرزمین بنی اسرائیل و پیامبران الهی است چگونه بر آن نازا اطلاق می شود . نکته دیگر اینکه در این آیات اشاره می کند که این سرزمین همیشه در امنیت و سلامتی خواهد بود که به وضوح بر حرم امن الهی یعنی مکه قابل تطبیق است اما تطبیق این بشارت بر اورشلیم که از گذشته همیشه شاهد جنگها و خونریزیها بوده است چگونه تطبیق می شود برای ما روشن نیست و یا در جای دیگر آمده است :

آنانیکه مرا طلب ننموده اند مرا جستند و آنانیکه مرا نطلبیدند مرا یافتند و به قومیکه به اسم من نامیده نشدند گفتم لبیک لبیک تمامی روزها دستهای خود را بسوی قوم متمرذیکه موافق خیالات خود به راه نا پسندیده سلوک می نمودند دراز کردم . قومیکه پیش رویم غضب مرا همیشه به هیجان می آورند که در باغات قربانی می گذارند و بر آجرها بخور می سازند ... گوشت خنزیر می خورند و خورش نجاسات در ظروف ایشان است مراد از کسانی که مرا طلب ننمودند اقوامی هستند که خدا پرست نبودند و یک باره خدا را شناختند و او را طلب کردند و این خصوصیت با قوم عرب قابل تطبیق است ایشان تا قبل از ظهور پیامبر اسلام به کلی از معرفت ذات و شرایع الهی بی خبر بودند و از خدا طلب معرفت و شریعت نکرده بودند و مراد از آیات بعدی هم به وضوح یهودیان و مسیحیان هستند .

این توبیخ و وعده خداوند بر تنبیه بنی اسرائیل در سفر تثئیه 21:32 نیز بیان شده است: ایشان مرا به آنچه خدا نیت به غیرت آوردند و به اباطیل خود مرا خشمناک گردانیدند و من ایشان را به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد و به امت جاهل آن را خشمناک خواهم ساخت .

یولس نیز در رساله خویش به رومیان همین مطلب را باز گو میکند و می گویم آیا اسرائیل ندانسته اند اول موسی می گوید من شما را به غیرت می آورم به آنکه امتی نیست و بر قوم بی فهم شما را خشمگین خواهم ساخت و اشعیاء نیز جرات کرده می گوید آنانیکه طالب من نبودند مرا یافتند و به کسانی که مرا نطلبیدند ظاهر گردیدم اما در حق اسرائیل می گوید تمامی روز دستهای خود را دراز کردم به سوی قومی نامطیع و مخالف

و در همان رساله 11:11 میگوید : بلکه از لغزش ایشان نجات به امته رسید تا در ایشان غیرت پدید آورد . و وقتی این تعبیر در کنار هم گذاشته میشود همه و همه ما را به یک نتیجه واحد میرساند که خداوند بنا داشته از میان قوم عرب و اولاد اسماعیل و سرزمین مکه پیامبری بزرگ برگزیند که از این پیامبر با تعبیر مختلف در کتاب مقدس یاد شده و فراموش نکنیم که مسیحیان تعبیر بسیار دور تری در عهد عتیق را بشارت مسیح تاویل میکنند و با این وجود تاویل این عبارات برای پیامبری از نسل اسماعیل و از میان عرب ها چندان دور نیست الاغ سواری و شتر سواری می آیند یکی از بشارتهایی که در باره پیامبر اسلام در کتب مربوطه مطرح میشود بشارت ذیل است در این سخن اشعیاء نبی وحی از بیابان می آید و بر شتر سوار و الاغ سواری مینشیند ولی در ترجمه مختصر تغییر کرده است

دقت کنید :

وحي در باره بيابان بحر چنانکه گردباد از جنوب مي آيد اين نيز از بيابان زمين هولناک مي آيد..... و چون فوج سواران جفت جفت و فوج الاغان و فوج شتران را ببيند و اينک فوج مردان و سواران جفت جفت مي آيند و او مزيد کرده (اشعيا 21:1)

اگر چه در نگاه اوليه اين عبارت را از بشارت به پيامبر اسلام خالي است اما وقتي به نسخه هاي اصلي کتاب مقدس مراجعه ميکنيم با بررسي در مي يابيم که متن فارسي تحريف يافته مثلا در متن عبري و متن عربي چاپ روم 1671م که در سال 1875م تجديد چاپ شده است به جاي عبارت فوج الاغان و فوج شتران عبارت ، راکب حمار و راکب جمل به کار رفته است که بدون شک راکب حمار اشاره به حضرت عيسي است و در اناجيل مکتوب است که حضرت عيسي (ع) سوار بر الاغ وارد اورشليم شد و اين کار وي اشاره به بشارتي در عهد عتيق نسبت به مسيح داشت و راکب جمل نيز پيامبر اسلام است.48

علاقه مندان به مطالعه و تحقيق بيشتر ميتوانند به کتابهايي که در اين زمينه تا ليف شده است مراجعه کنند برخي از اين منابع عبارتند از :

- 1- بشارت هاي کتاب مقدس، تامر مير مصطفي، ترجمه: بزرگ کيا
- 2- بشارت عهدين، محمد صادقي
- 3- اظهار الحق، رحمه الله بن خليل الرحمن الهندي
- 4- غصن الرب في سفر إشعيا النبي، أحمد أحمد علي السقا
- 5- تبشير الإنجيل و التورات بإسلام و رسوله محمد، نصر الله عبد الرحمن ابوطالب
- 6- محمد در تورات و انجيل، پروفيسور عبد الأحد داود، ترجمه ي فضل الله نيك آيين
- 7- أنيس الأعلام، ج 5 ، شيخ محمد صادق فخرالإسلام
- 8- البشارات العجا ب في صف ه أهل الكتاب، صلاح صالح الراشد
- 9- رسول الإسلام في الكتب السماويه، الدكتور محمد الصادقي
- 10- معركة هرمجدون و نزول عيسي و المهدي المنتظر، أحمد حجازي السقا
- 11- پيامبر موعود در تورات و انجيل، محمد رسول دريابي
- 12- معركة هرمجدون و تأسيس مملكة الرب، كارلوتا جيزن، ترجمه: أحمد علي أحمد علي
- 13- أهل البيت في الكتاب المقدس، كاظم النصيري الواسطي
- 14- محمد في التورات و الإنجيل و القرآن، إبراهيم خليل أحمد
- 15- ماذا يقول الكتاب المقدس عن محمد، إبراهيم خليل أحمد
- 16- البشارة بنبي الإسلام في التورات و الإنجيل، الدكتور أحمد حجازي السقا
- 17- الدليل من الأناجيل علي أن النصاري اليوم يعرفون محمدا كما يعرفون أبنائهم، محمود بن عبدالرزاق
- 18- محمد نبي الإسلام في التورات و الإنجيل و القرآن، محمد عزت الطهطاوي

پايان

پاورقي: _____ 1 . (بقره 146 و انعام 20)

2 . (فتح 29)

3 . (صف 6).

4 . (اعراف 157)

5 . (تثنيه 22:18-21)5

6 . (ارميا 9:28)ترجمه تفسيري

7 . (تثنيه 20:18)

8 . يو حنا (19:1- 23)

9 . ترجمه تفسيري

10 . يو حنا (23:1)

11 . اشعيا (14:7)

12 . درمتي(25:1)

13 . لوقا (30:1 و 31)

14 . (لوقا 21:2)

15 . اشعيا (1:7 - 16) :

16 . اظهار الحق ، الباب الاول ، الفصل الثالث. القسم الثاني

17 . (22:1 و 23)

18 . يوحنا، 7:40 - 43

19 . يوحنا، 1:19 - 27

20 . در اسرائيل سه دادگاه وجود داشت که مهمترین آن دادگاه سنهدرين کبير بود. اعضاى آن هم وظيفه قضاوت را به عهده داشتند و هم وظيفه هئيت منصفه را، اين دادگاه مسئوليت‌هاى سنگينى داشت. پيغمبر دروغين و کاهن اعظم را تنها در اين دادگاه مى‌توانستند محاکم کنند. ر.ک. به: گنجينه‌اى از تلمود ص 302.

21 . کتاب دوم پادشاهان، 2:11

22 . يوحنا، 6:10 - 14

23 . ويل دورانت، همان، ج 3، ص 709 / همچنين ر. ک. به: جفرى بارندر، المعتقدات الدينية لدى الشعوب، ترجمه د. امام عبدالفتاح، کويت، 1413 ، ص 129

24 . در عبارت اول آمده است " نبي اي را از ميان تو از برادرانت " اما در دفعه دوم آمده است : " نبي اي را براي ايشان از ميان برادران ايشان " که به نظر ما جمله اول به صورت مجمل است و در ضمن به صورت دقيق هم ذکر نشده و عبارت از ميان تو (و در بعضي از نسخ از ميان شما) نیز زيادي است و جزو عبارت اصلي نمي باشد. زيرا اولاً: در عبارت حضرت موسي که کلام خداوند را تکرار ميکند کلمه از ميان شما وجود ندارد و اضافاتي نیز بر جمله اول دارد که بدون شك نمي توان آنها را ساخته حضرت موسي دانست و اين از شأن آن جناب به دور است. اين آيه در کلام پطرس نیز نقل شده و در آنجا نیز فقط کلمه از برادران شما آمده است(اعمال رسولان 3:19)

25 . سفر پيدايش(8:25)

26 . (پيدايش باب 27)

27 . (تكوين 18:25 و تثنيه 4:2 و 5)

28 . دليل ديگر آنکه حتي اگر بپذيريم که عبارت از ميان شما صحيح باشد باز هم مشکلي پيش نمي آيد زيرا استقرار و شوکت و در حقيقت آغاز شيوع اسلام در مدينه بود و اطراف مدينه هم بلاد بني اسرائيل بود مثل خيبر و بني قنيقاع و بني نظير و پيامبر از ميان ايشان بر خواست و از بني اخوة ايشان بود . نکته ديگر آنکه : مي دانيم

که مخاطب حضرت موسی اسباط دوازده گانه بودند. و اگر واقعاً پیامبر مذکور از میان خودایشان باید بر خیزد دیگر قید از میان برادرانشان معنی ندارد و باید فقط می فرمود از میان شما و حال آنکه می بینیم قید از میان برادرانتان ذکر میکند و حتی در مرتبه دوم به همین قید از میان برادرانتان اکتفا میکند.

29 . (یوحنا 15:14-15)

30 . یوحنا، 17:14 و 18

31 . یوحنا 26:15 و 27

32 . یوحنا، 7:16 و 8

33 . ر.ك ، یوحنا 26:14 ، 26:15 ، 15-7:16

34 . اعمال رسولان، باب های 1 و 2

35 . محمد در تورات و انجیل ، ص 239

36 . (یوحنا 7:16-11)

37 - یوحنا، 1:37

38 . لوقا، 1:35

39 . ر. ك. به: لوقا، 1:26

40 . لوقا. 1:15

41 . لوقا، 1:67

42 . یوحنا، 16:7

43 . قاموس كتاب مقدس ، مستر هاكس ، ذیل واژه روح القدس

44 . (اعمال رسولان 1:2-4)

45 . ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 3، ص 708

46 . انیس الاعلام، ج 5، ص 149، بشارتهای اسلام در عهدین ، بشارت 21

47 . مستر هاكس، قاموس كتاب مقدس ، مدخل روح القدس

48 . مسیحیت شناسی مقایسه ای ، بشارت ص 220